

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ

مَانِعٌ

ستایش مخصوص خدایی است که قضاء و

حکم او را برگرداننده و عطاء او را بازدارنده‌ای نباشد

وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُّ الْوَاسِعُ

و مانند خلقت او خلقتی یافت نشود و اوست

عطابخش نعمت‌های بی‌کران.

فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَآتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ

اجناس آفریده‌ها را از نیستی به ظهور آورد و

خلاق را به حکمت خویش استوار ساخت

وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ

هرآنچه پدیدار شود بر او مخفی نباشد

وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ

و آنچه نزد او به ودیعه گذاشته شود ضایع

نگردد

جَازِي كُلِّ صَانِعٍ

پاداش دهنده هر عمل‌کننده اوست

وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ

و بی نیاز کننده هر قناعت پیشه اوست

و رَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ

و رحم آورنده بر هر زاری کننده، اوست

مُنَزَّلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ

نازل کننده منفعتهای و کتاب جامع با نور

درخشان، اوست.

وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَ لِلكُرْبَاتِ دَافِعٌ

او دعاها را بشنود و سختیها را برطرف سازد

وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ

درجات [خوبان] را بیفزاید و گردن کشان را

خوار سازد

فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْءٌ يَّعْدِلُهُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ

شَيْءٌ

پس معبودی جز او نیست و همتا و مانندی

برای او نباشد

وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

و اوست شنوا و بینا، و لطیف و آگاه

وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و او بر هر امری تواناست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ

بارالها، من مشتاق توأم

وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ

و به پروردگاری تو گواهی می‌دهم

مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي وَ إِلَيْكَ مَرَدِّي

در حالی که اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی،

و بازگشت من به سوی توست

أَبْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا

نعمت را بر من آغاز نمودی، پیش از آنکه

موجودی در خور یاد باشم

وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ

و مرا از خاک آفریدی سپس در صلب‌ها

(پشت پدران) جای دادی

أَمِنَّا لِرَيْبِ الْمَنُونِ وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السَّنِينِ

و از حوادثِ زمانه و گردشِ روزگاران و

سال‌ها، مرا ایمن نمودی

فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمٍ

پس همواره از صلبی به رحمی کوچ

می‌نمودم

فِي تَقَادُومٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ
وَبِرَّائِنِ مَنَوَالِ رُوزِهَا كُذِّبَتْ وَقَرْنِهَا سَپَرِي

شد

لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لُطْفِكَ لِي وَ
إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ

و تو از باب نهایت مهر و لطف و احسانی که
به من داشتی، در حکومت سردمداران کفر، مرا به
دنیا نیاوردی

الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ

آنان که پیمانت را شکستند و فرستادگانت را
تکذیب نمودند

لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى

بلکه مرا برای هدایتی که برایم مقرر نموده
بودی به دنیا آوردی

الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي

هدایتی که مرا برای پذیرش آن آماده ساختی
و در بستر آن هدایت، مرا پرورش دادی

وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ

سَوَابِغِ نِعْمِكَ

و پیش از آن نیز با رفتارِ نکویت و نعمتِ

فراوانت به من محبت ورزیدی

فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ يُمْنِي

پس خلقتم را از نطفه قرار دادی

وَ أَسَكَّتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ مِنْ بَيْنِ لَحْمٍ وَ

دَمٍ وَ جِلْدٍ

و مرا در تاریکی‌های سه‌گانه: بین گوشت و

خون و پوست جای دادی

لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ لِي شَيْئًا مِنْ

أَمْرِي

مرا بر خلقتم آگاه نساختی و چیزی از امر

آفرینشم را به من واگذار نمودی

ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَىٰ إِلَىٰ

الدُّنْيَا تَامًّا سَوِيًّا

سپس مرا بشری کامل و معتدل، به‌سوی

هدایتی که برایم تقدیر نموده بودی به دنیا آوردی

وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا

و مرا در خردسالی در گهواره محافظت

نمودی

و رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا

و از غذاها شیر گوارا روزی ام ساختی

وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ

و دل دایه‌ها را بر من مهربان نمودی

وَ كَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ

و مادران دلسوز را به پرستاری ام گماشتی

وَ كَلَّأْتَنِي مِنَ طَوَارِقِ الْجَانِّ

و مرا از آسیب جنیان و شیاطین محفوظ

نمودی

وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ

و از زیاده و کم، مصون داشتی

فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ

پس تو برتر و والاتری، ای مهربان و ای

مهرگستر!

حَتَّى إِذَا اسْتَهَلَّتْ نَاطِقًا بِالْكَلامِ

تا آن زمان که لب به سخن گشودم

وَ أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ

و نعمت‌های فراوانت را بر من تمام نمودی

وَ رَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ

در هر سال بیشتر پرورشم دادی،

حَتَّىٰ إِذَا اكْتَمَلْتِ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلْتِ مِرَّتِي

تا آن گاه که خلقت اصلی ام کامل شد و مزاجم

اعتدال یافت

أَوْجِبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتِنِي مَعْرِفَتَكَ

حجّت را بر من تمام کردی، که شناخت خود

را به من الهام کردی

وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ

و به مشاهده شگفتی های حکمت خویش،

مرا شگفت زده نمودی

وَأَيَّقَطَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ

بَدَائِعِ خَلْقِكَ

و مرا به زیبایی های خلقت در آسمان و

زمین، متنبه نمودی

وَنَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ

و مرا برای شکرگزاری و ذکرت هشیار

ساختی

وَأَوْجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ

و اطاعت و بندگی ات را بر من واجب نمودی

وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ

و آنچه پیامبرانت آوردند، به من فهماندی

وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ

و پذیرش عواملِ خشنودیات را بر من آسان

نمودی

وَمَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ

و در تمام این امور، با یاری و مهربانیات بر

من منت نهادی

ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا

إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى

و از آنجا که مرا از بهترین طینت‌ها آفریدی،

بر من نپسندیدی که از نعمتی برخوردار و از نعمتِ

دیگر محروم باشم

وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ

بِمَنَّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ

بلکه با منت بزرگ و والاترت نسبت به من،

و بنا بر احسان دیرینهات به من، از انواع متاع زندگی

و اقسام لوازم کامرانی، روزی ام فرمودی

حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النُّعْمِ وَصَرَفْتَ

تا جایی که همه نعمت‌ها را بر من تمام کردی

و تمام رنج‌ها را از من دور ساختی

لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي

إِلَىٰ مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَ وَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ

مرا به آنچه به تو نزدیک می‌سازد رهنمون

شدی و به آنچه مرا به پیشگاه تو نزدیک سازد توفیق

دادی، و نادانی و بی‌باکی‌ام در برابر تو، مانع از اینها

نشد.

فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَ إِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي

پس اگر تو را خواندم اجابت کردی و اگر از

تو خواستم عطا فرمودی

وَ إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي

و اگر اطاعت کردم قدردانی نمودی و اگر

شکر کردم، بر نعمت افزودی

كُلُّ ذَٰلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانٌ إِلَىٰ

اینها همه به جهت کامل نمودن نعمت و

احسان خداوندی‌ات بر من است

فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ

پس منزهی تو، منزهی تو، که آغازکننده
خلقتی و بازگرداننده آن، و ستوده و باعظمت هستی

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ عَظُمَتْ أَلَاؤُكَ

نام‌هایت مقدس است و نعمت‌هایت با

عظمت

فَأَيُّ نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَ ذِكْرًا

بارالها! کدام‌یک از نعمت‌هایت را به شماره

آورم و یاد کنم؟!

أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقَوْمٌ بِهَا شُكْرًا

یا به سپاسگزاری کدام‌یک از عطا‌هایت

برخیزم؟!

وَهِيَ يَا رَبُّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَوْ

يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ

در حالی که — پروردگارا — [نعمت‌هایت]

بیش از آن است که حساب‌گران برشمارند و دانش

اندیشمندان، آن را دریابد.

ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَ

الضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَّاءِ

بارالها، به علاوه، آنچه از سختی و بلا از من
بازگرداندی و دور کردی، بیش از آن عافیت و
خوشی‌ای است که برایم آشکار شده است

وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي وَ عَقْدِ
عَزَمَاتِ يَقِينِي

خداوندا، و من شاهدم و گواهی می‌دهم با
حقیقتِ ایمانم و با استواری و قاطعیتِ یقینی که
دارم،

وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ
ضَمِيرِي

و با توحیدِ خالص و بی‌شائبه خود و از اعماق
پنهانیِ درونم

وَ عَلَائِقِ مَجَارِي نَوْرِ بَصْرِي وَ أُسَارِيرِ صَفْحَةِ
جَبِينِي

و [جوارحم نیز گواهی می‌دهند] با رشته‌های
مجراهای نورِ چشمم، و خطوطِ صفحه‌پیشانی‌ام
وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ
عَرْنِينِي وَ مَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي

و با شکاف راه‌های تنفسم، و پرده‌های نرمه

بینی ام، و راه‌های پرده گوشم

وَمَا ضَمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ

و با آنچه لبانم بر هم بسته شود و قرار گیرد

وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي

و با حرکت‌های زبانم برای تلفظ

وَمَغْرَزِ حَنْكِ فَمِي وَفَكِّي

و با محل پیوند کام و فک من

وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي

و با محل رویدن دندان‌هایم، و محل چشیدن

خوراک و آشامیدنی ام

وَحِمَالَةِ أُمَّ رَأْسِي وَ بُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي

و با رشته و عصب مغز سرم، و لوله متصل به

رگ‌های گردنم

وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَ حَمَائِلِ حَبَلِ

وتینی

و با آنچه در قفسه سینه‌ام جای دارد، و

رشته‌های رگ قلبم

وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَ أَفْلَازِ حَوَاشِي كَبْدِي

و با آویزه پرده قلبم، و پاره‌های اطراف کبدم

وَمَا حَوْتَهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي

و با آنچه استخوان دنده‌هایم در بر گرفته

وَ حِقَاقِ مَفَاصِلِي وَ قَبْضِ عَوَامِلِي وَ أَطْرَافِ

أَنَامِلِي

و گودی‌های مَفصل‌هایم، و انقباضات

عضلات بدنم، و سرِ انگشتانم

وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي

و با گوشت و خون و مویم و پوستم

وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي وَ عِظَامِي وَ مُخِّي وَ عُرُوقِي

و عصب و نای و استخوان و مغز و رگ‌هایم

وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي وَ مَا انْتَسَجَ عَلَي ذَلِكِ أَيَّامَ

رَضَاعِي

و با تمامی اعضایم و آنچه در مدت

شیرخوارگی‌ام بر آن رویده

وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي

و با آنچه زمین بر پشت خود حمل نموده

است

وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ سُكُونِي وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي

وَ سُجُودِي

و با خواب و بیداری ام و با سکون و حرکت

و رکوع و سجودم

أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ

الْأَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا

[گواهی می‌دهم] که اگر تلاش کنم و در طول

قرون و اعصار — به فرض که چنین عمری کنم —

کوشش نمایم

أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ

ذَلِكَ

که شکر یکی از نعمت‌هایت را به جا آورم،

نخواهم توانست

إِلَّا بِمَنْكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِشُكْرِكَ أَبَدًا جَدِيدًا

وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا

جز به لطف تو، که با آن، شکر دیگری بر من

واجب می‌شود؛ شکر دائم و نو، و ثنایی تازه و

فراهم

أَجَلٍ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنْامِكَ أَنْ

نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنْفِهِ

آری، اگر من و همه آفریدگان حسابگرت،

حرص و رزیم که گستره انعام تو را، از نعمت‌های
گذشته و آینده برشماریم،

ما حَصْرِنَاهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا

شماره آن را به دست نیاوریم و انتها و گستره
آن را درنخواهیم یافت.

هِيَاهُ أَنِّي ذَلِكَ

هیاهات، کجا چنین چیزی ممکن است؟!!

وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبِيَّ الصَّادِقِ
در حالی که تو در کتابِ گویا و خبرِ راستینت

فرمودی:

﴿وَأِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾

﴿اگر نعمتِ خدا را برشمارید، نمی‌توانید آن

را شمارش کنید!﴾

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنبَاؤُكَ

خداوندا، کتاب تو راست گفته و خبرت

صادق بوده.

وَبَلَّغْتَ أَنْبِئَاؤُكَ وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ

وَحِيكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ

و پیامبران و فرستادگانت آنچه از وحی بر

ایشان فرورستادی، و آنچه از دینت بر آنها و به وسیله آنها تشریح نمودی، رساندند.

غَيْرَ اَنِّي يَا اِلٰهِيْ اَشْهَدُ بِجَهْدِيْ وَ جِدِّيْ وَ مَبْلَغِ طَاقَتِيْ وَ وُسْعِيْ

جز اینکه ای خدای من، با تمام سعی و کوشش و تمام تلاشم، و هر آنچه در سعه و توان دارم گواهی میدهم،
وَ اَقُوْلُ مُؤْمِنًا مَوْقِنًا:

و از روی باور و یقین می گویم:

﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ وَاكِدًا﴾
فَيَكُوْنُ مَوْرُوْثًا

﴿جميع مراتب ستایش، خدای را که فرزندی نگزیده﴾ تا از او به ارث برد

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ شَرِيْكٌ فِيْ اَلْمُلْكِ﴾
فَيُضَادَّةٌ فَيَمَا اِبْتِدَاعَةٌ

﴿و برای او در فرمانروایی اش شریکی نبوده﴾ تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند
﴿وَلَا وَّلِيٌّ مِّنْ اَلذُّلِّ﴾ فَيَرْفِدُهُ فَيَمَا صَنَعَ
و ﴿نه از ذلت، یاوری برای اوست﴾ که در

آفرینش او را یاری رساند

فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ

پس منزّه است او، منزّه است او

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءِالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ و

تَفَطَّرَتَا

﴿اگر در آسمان و زمین جز او خدایی بود تباه

می شدند﴾ و از هم می پاشیدند

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ

منزّه است یکتا و یگانه‌ای که بی نیاز است

الَّذِي ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ * وَكَمْ يَكُنْ

لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿﴾

آنکه ﴿فرزند ندارد و فرزند کسی نیست، و

هیچ کس هم‌تا و برابر با او نمی باشد﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ

وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ

ستایش خدای را، ستایشی که با ستایش

ملائکه مقرب و پیامبران مرسّلس برابر باشد

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ

آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ

و صلوات و درود خدا بر برگزیدگان او،
محمد خاتم پیامبران و خاندان پاک و مطهر و خالص
او باد

ثُمَّ انْدَفَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَسْأَلَةِ وَاجْتَهَدَ فِي
الدُّعَاءِ وَقَالَ وَ عَيْنَاهُ تَكْفَانِ دُمُوعًا:

پس آن حضرت شروع فرمود در درخواست
و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدگان مبارکش
جاری بود، پس عرض نمود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ

خداوندا، ترس از کبریا و عظمت خود را
نصیب کن، گویی که تو را می بینم

وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَ لَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ

و مرا با تقوای خودت سعادت مند گردان، و با
نافرمانی ات مرا بدبخت مکن

وَ خَيْرَ لِي فِي قَضَائِكَ

و در قضاء و اراده ات خیر را نصیب گردان

وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ

و در مقدراتت برایم برکت قرار ده

حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخِّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا

تا جایی که دوست‌دارِ تعجیلِ چیزی که تو
خواستارِ تأخیرش هستی نباشم و طالبِ تأخیرِ آنچه
مقدم کرده‌ای، نباشم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَائِي فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي
بارالها، بی‌نیازی‌ام را در جانم و یقین را در
قلبم قرار بده

وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَ
البصيرةَ فِي دِينِي

و اخلاص را در عملم و نور را در چشمم و
بصیرت را در دینم قرار بده

وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصْرِي
الوَارِثِينَ مِنِّي

و مرا از جوارحم بهره‌مند گردان، و چشم و
گوشم را وارث من قرار بده

وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ اَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَ
مَارِبِي وَ اَقِرِّ بِذَلِكَ عَيْنِي

و مرا بر کسی که به من ستم کرده، یاری کن
و با انتقام‌جویی و برآورده‌شدن حاجت، پیروزمندی

را نشانم بده و بدین سبب چشمم را روشن گردان.

اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي

خدایا اندوه مرا برطرف کن و عیب مرا

پوشان

وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَ اخْسَأْ شَيْطَانِي

و از خطایم درگذر و شیطانم را با خواری

بران

وَ فَكِّ رِهَانِي

و ذمه‌ام را از گروی اعمالم برهان

وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ

الأولى

بارالها، برایم در دنیا و آخرت درجه والا را

مقدر فرما

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا

بصيرًا

خداوندا، ستایش مخصوص توست که مرا

آفریدی و شنوا و بینا گرداندی

وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا

رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كُنْتَ عَنِ خَلْقِي غَنِيًّا

خداوندا، ستایش مخصوص توست که مرا
آفریدی و از غایت مهربانی بر من، خلقتم را نیکو
قرار دادی، با آنکه از من بی‌نیاز بودی

رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي

پروردگارا، قسم به اینکه مرا آفریدی سپس
سرشت مرا معتدل ساختی.

رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صَوْرَتِي

پروردگارا، قسم به اینکه مرا هستی دادی و
صورت‌م را زیبا نگاشتی

رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتِي

پروردگارا، قسم به اینکه به من احسان کردی
و مرا عافیتِ نفس دادی

رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي

ای پروردگار من، قسم به اینکه مرا حفظ
کردی و توفیق دادی

رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي

پروردگارا، قسم به اینکه بر من انعام فرمودی
سپس هدایت نمودی

رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي

پروردگارا، قسم به اینکه مرا لایق انعام کردی

و از هر خیری به من عطا نمودی

رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي

پروردگارا، قسم به اینکه به من خوراندی و

نوشاندی

رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَ أَقْنَيْتَنِي

پروردگارا قسم به اینکه بی‌نیازم ساختی و

اندوخته‌ام دادی

رَبِّ بِمَا أَعْزَمْتَنِي وَ أَعْزَمْتَنِي

پروردگارا قسم به اینکه یاری‌ام کردی و عزیز

ساختی

رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَ يَسْرَتِ

لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي

پروردگارا قسم به اینکه از پوشش پاکیزه‌ات

بر من پوشانیدی و به کفایت خود، کار را بر من آسان

نمودی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد صلوات و درود

فرست

وَاعْنِي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَ

الْأَيَّامِ

و مرا در بلاهای روزگار و حوادث شب و

روز یاری رسان

وَ نَجِّنِي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ

و مرا از هراس دنیا و اندوه‌های آخرت نجات

بده

وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ

و مرا از شر آنچه ستمگران در زمین انجام

می دهند کفایت فرما

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَمَا أَحْذَرُ فَاقْنِي

خدایا از آنچه می ترسم مرا کفایت کن و از

آنچه حذر می کنم نگهداری کن

وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاحْرُسْنِي

و در جان و دینم از من نگهبانی فرما

وَ فِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي

فَاخْلُفْنِي

و مرا در سفرم نگهدار و در خاندان و مالم

جانشین باش

وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي

و در آنچه روزی ام فرمودی، برکت بده

وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ

فَعَظِّمْنِي

و در نزد خویش، مرا ذلیل کن و در دیدگان

مردم مرا عظمت بده

وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي

و از شرّ جن و انس سالمم بدار

وَ بِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَ بِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي

و به وسیله گناهانم رسوایم مساز و به واسطه

درون [آلوده‌ام] آبرویم مبر

وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي وَ نِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي

و به وسیله عملم گرفتارم مساز و مرا از

نعمت‌هایت باز نگیر

وَ إِلَىٰ غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي

و به غیر خود واگذارم مکن

إِلَهِي إِلَىٰ مَنْ تَكِلْنِي

خدایا، مرا به که وامی گذاری؟!

إِلَىٰ قَرِيبٍ فَيَقْطَعَنِي أَمْ إِلَىٰ بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمَنِي

به خویشاوند که از من بُرد؟! یا به بیگانه تا با

من با ترش رویی برخورد کند؟!

أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ

أَمْرِي

یا به آنان که خواری می شمروند؟! و حال اینکه

تو خدا و زمامدار امر منی!

أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبَعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى

مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي

شکوه به تو آورده‌ام، از غربتم و دوری خانه

آخرتم و خواری‌ام نزد کسی که اختیار کارم را به او

دادی.

إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ

پس معبود من، خشمت را بر من فرود نیاور

فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي سِوَاكَ

سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي

که اگر تو بر من خشمگین نباشی، از غیر تو

باکی ندارم — پاک و منزهی تو — و جز این نیست

که عافیت تو بر من گسترده‌تر است

فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ

پس از تو درخواست می‌کنم پروردگارا، به
نور جمالت که زمین و آسمان‌ها به آن روشن گشت
وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتِ وَ صَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ
الْآخِرِينَ

و تاریکی‌ها به آن برطرف شد، و کار
گذشتگان و آیندگان به وسیله آن به اصلاح رسید
أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَ لَا تُنْزِلْ بِي
سَخَطَكَ

که مرا بر قهر و ناخشنودی‌ات نمیرانی و
خشم‌ت را بر من فرود نیاوری
لَكَ الْعُتْبَىٰ لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ قَبْلَ ذَلِكَ
از تو پوزش می‌طلبم، از تو پوزش می‌طلبم تا
پیش از آن [نزول عذابت] راضی گردی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ
معبودی جز تو نیست، ای پروردگار خانه
محترم و مشعر الحرام
وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَّتْهُ الْبَرَكَةُ وَ جَعَلَتْهُ
لِلنَّاسِ أَمْنًا

و خانه قدیمی (کعبه) که برکت را در آن نازل

فرمودی و آن را برای مردم ایمن ساختی

يا مَنْ عَفَا عَنِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ

ای آن که با بردباری اش از گناهان بزرگ

گذشت

يا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ

ای آن که با فضلش نعمت‌ها را کامل ساخت

يا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ

ای آن که با کرمش گسترده و فراوان عطا کرد

يا عُذَّتِي فِي شِدَّتِي، يا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي

ای پشت و پناهم در سختی ام، ای همراهم در

تنهایی ام

يا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يا وَكَيْي فِي نِعْمَتِي

ای فریادرسم در گرفتاری ام، ای سرپرستم در

نعمت‌هایم

يا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ

إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ

ای خدای من و خدای پدرانم: ابراهیم و

اسماعیل و اسحاق و یعقوب

وَرَبِّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ

و ای پروردگارِ جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ

و ای پروردگارِ محمد، خاتم پیامبران و

اهل بیت برگزیده اش

مُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ

و ای نازل کننده تورات و انجیل و زبور و

فرقان (قرآن)

وَمُنزِلَ كَهْيَعَصَ وَطِهَ وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

و ای فروفرستنده «کهیعص» و «طه» و «یس»

و قرآن حکیم

أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تَعَيَّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَ

تَضِيقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا

تو پناهگاه من هستی، آن زمان که راههای

زندگانی با همه وسعتشان در مانده ام کنند، و زمین با

همه پهناوری اش بر من تنگ گیرد.

وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ

و اگر رحمت تو نبود بی شک از هلاک شدگان

بودم

وَأَنْتَ مُقِيلٌ عَثْرَتِي وَ لَوْ لَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ

مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

و تویی که لغزشم را نادیده می‌گیری، و اگر

پرده‌پوشی‌ات بر من نبود، قطعاً من از رسواشدگان

بودم

وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَ لَوْ لَا

نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ

و تویی که با یاری‌ات مرا بر دشمنانم پیروز

نمودی، و اگر یاری‌ات نبود هرآینه من از

شکست‌خوردگان بودم.

يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ

بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ

ای کسی که خود را به بلندی و برتری

اختصاص داده، پس دوستانش به عزت او عزت

می‌یابند

يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى

أَعْنَاقِهِمْ فَهَمَّ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای آنکه پادشاهان در برابرش یوغ خواری بر

گردن نهادند و از دست قدرت‌ش هراسان‌اند

﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

الْصُّدُورِ﴾

﴿خیانتِ چشم‌ها را و آنچه سینه‌ها پنهان

می‌کند، می‌داند﴾

و غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأُزْمِنَةُ وَالْدُّهُورُ

و به پنهانی‌هایی که زمان‌ها و روزگاران

آشکار سازد آگاهی دارد

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ

ای آنکه جز او نمی‌داند که او چگونه است

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ

ای آنکه جز او نمی‌داند او چیست

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ

ای آنکه جز او، او را نمی‌شناسد

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ

بِالسَّمَاءِ

ای آنکه زمین را بر آب انباشت و هوا را به

آسمان بست

يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ

ای آنکه او را گرامی‌ترین نام‌هاست

يا ذا المَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا

ای صاحبِ احسانی که هرگز قطع نگردد

يا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِّفَ فِي البَلَدِ القَفْرِ وَ

مُخْرِجَهُ مِنَ الجُبِّ وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ العُبُودِيَّةِ مَلِكًا

ای آنکه کاروان را برای نجات یوسف در

سرزمین بی آب و گیاه برانگیخت، و او را از چاه

بیرون آورد و پس از بردگی به پادشاهی اش رساند

يا رادَّةَ عَلِيٍّ يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ

الحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

ای آنکه یوسف را به نزد یعقوب بازگرداند،

پس از آنکه دو چشم یعقوب از اندوه سفید شد و

دلش از غم آکنده بود

يا كاشِفَ الضُّرِّ وَ البَلَوِ عَنِ اَيُّوبَ

ای که رنج و بلا را از ایوب دور ساختی

وَ مُمَسِّكَ يَدَيِ اِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ

سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ

و دست ابراهیم را پس از سالخوردگی و در

پایان زندگی از کشتنِ فرزندش بازداشتی

يا مَنْ اسْتَجابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيٰى وَ لَمْ

ای آنکه دعای زکریا را اجابت کرد و یحیا را

به او بخشید و او را یگانه و تنها وانگذاشت

يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحَوْتِ

ای که یونس را از دل ماهی بیرون آورد

يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ

فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

ای آن که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و

آنان را نجات داد و فرعون و لشکریانش را از

غرق شدگان قرار داد

يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ

ای آن که بادهای را مژده‌دهندگانی پیشاپیش

باران رحمتش فرستاد

يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ

ای کسی که بر عذاب نافرمانان از بندگانش

شتاب نمی‌ورزد

يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ

ای آن که ساحرانِ روزگارِ موسی را از ورطهٔ

هلاکت رهانید، پس از آنکه سالیان طولانی در انکار

حق بودند،

وَ قَدْ غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ
غَيْرَهُ وَ قَدْ حَادَّوهُ وَ نَادَّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ

در حالی که متنعم به نعمتِ او، رزقش را
می خوردند و غیرِ او را بندگی می کردند، و به دشمنی
و شرکِ او برخاستند و پیامبرانِش را تکذیب نمودند
یا اللهُ یا اللهُ

ای خدا، ای خدا

یا بَدِیْءُ یا بَدِیْعُ لَا نَدَّ لَكَ

ای آغازگر، ای پدیدآور، برای تو همتایی
نیست

یا دَائِمٌ لَا نَفَادَ لَكَ

ای جاودانه، برای تو پایانی نیست

یا حَیُّ حَیْنًا لَا حَیَّ یا مُحِیُّ الْمَوْتِ

ای زنده، آن گاه که زنده ای نیست، ای
زنده کننده مردگان

یا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلٰی كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

ای چیره و مسلط بر هر کس و آنچه انجام داده
است

يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي

ای که شکرم برای او اندک است، ولی

محرومم نساخت

وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي

و ای کسی که خطایم بزرگ شد، اما رسوایم

نکرد

وَرَأْنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي

و ای کسی که مرا در حال نافرمانی‌ها دید،

ولی در بین مردم بی‌آبرو ننمود

يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي

كِبَرِي

ای که در خردسالی مرا حفظ کرد و در

بزرگسالی رزق داد

يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَىٰ وَنِعْمُهُ لَا تُجَازَىٰ

ای که عطاهایش نزد من به‌شمار نیاید و

نعمت‌هایش تلافی نگردد

يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ

بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ

ای که با من با خیر و احسان رفتار کرد و من

با بدی و نافرمانی با او روبرو شدم

يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ

الْإِمْتِنَانِ

ای که به ایمان هدایتم نمود، پیش از آنکه

[شیوه] سپاسگزاری برای نعمت‌هایش را بشناسم

يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي

ای آن که او را در بیماری خواندم پس شفایم

داد

وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي

و در برهنگی او را صدا زدم، پس مرا پوشانید

وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي

و در حال گرسنگی او را خواندم، پس مرا سیر

کرد

وَعَطْشَانًا فَأَرْوَانِي

و در حال تشنگی او را خواندم، پس سیرابم

نمود

وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي

در حال خواری او را خواندم، عزتم بخشید

وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي

در نادانی صدایش زدم، مرا معرفت بخشید

وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي

در تنهایی او را خواندم، افزونی جمعیتم

بخشید

وَ غَائِبًا فَرَدَدَنِي

و او را در دوری از وطن خواندم، مرا [به

موطنم] برگرداند

وَ مُقِلًّا فَأَغْنَانِي

و در حال نداری او را خواندم، دارایم کرد

وَ مُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي

و از او یاری خواستم، یاری ام فرمود

وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي

و در ثروتمندی او را خواندم، محرومم نکرد

وَ أَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأْنِي

و از درخواست همه این‌ها دست کشیدم، او

احسان را بر من آغاز نمود

فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ

پس حمد و سپاس تورا است!

يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَ نَفَسَ كُرْبَتِي وَ أَجَابَ

ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را

زدود و دعایم را اجابت نمود

وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ غَفَرَ ذُنُوبِي وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَ

نَصَرَنِي عَلَيَّ عَدُوِّي

و عیبم را پوشاند و گناهم را آمرزید و مرا به

خواسته‌ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند

وَ إِنِ أَعَدُّ نِعْمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَّأْتُمْ مِّنْجِكَ لَا

أُحْصِيهَا

اگر نعمت‌ها و عطاها و بخشش‌های

بارزشت را برشمارم، هرگز نمی‌توانم به‌شماره آورم

يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ

ای سرور من، تویی که منت نهادی، تویی که

نعمت دادی

أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ

تویی که احسان نمودی، تویی که نیکی

نمودی

أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ

تویی که فزونی بخشیدی، تویی که کامل

کردی

أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ

تویی که روزی دادی، تویی که موفق نمودی

أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ

تویی که عطا فرمودی، تویی که بی‌نیاز

نمودی

أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتَ

تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی

أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ

تویی که کفایت نمودی، تویی که هدایت

کردی

أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ

تویی که نگاه‌داشتی، تویی که پرده‌پوشی

نمودی

أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ

تویی که آمرزیدی، تویی که نادیده گرفتی

أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْزَزْتَ

تویی که مُکنت دادی، تویی که عزت

بخشیدی

أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ

تویی که یاری نمودی، تویی که دست گرفتی

أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ

تویی که تأیید نمودی، تویی که نصرت دادی

أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ

تویی که شفا بخشیدی، تویی که عافیت داد

أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ

تویی که گرامی داشتی؛ بزرگ و برتری

فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا

پس ستایش همیشه تورا است

وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا

و سپاسِ دائم و جاوید از آنِ توست

ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي

و از این سو، ای معبودم، منم آنکه به گناهانم

اعتراف می‌کنم، پس آنها را بیامرز:

أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ

منم که بد کردم، منم که خطا کردم

أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ

منم که به گناه همّت نمودم، منم که نادانی

أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ

منم که غفلت ورزیدم، منم که اشتباه کردم

أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ

منم که به غیر تو اعتماد کردم، منم که در گناه

تعمد ورزیدم

أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ

منم که وعده کردم، منم که وعده شکستم

أَنَا الَّذِي نَكَثْتُ أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ

منم که پیمان شکنی نمودم، منم که اقرار کردم

أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ عِنْدِي وَ أَبْوَاءُ

بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي

منم که به نعمت بر خود و نزد خود اعتراف

نمودم و به گناهانم اقرار می کنم، پس آنها را بر من

بخشای

يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنْ

طَاعَتِهِمْ

ای آن که گناهان بندگانش به او زیانی

نرساند، در حالی که او از طاعت آنان بی نیاز است

وَالْمَوْفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ

رَحْمَتِهِ

و هر که از بندگانش عمل صالحی انجام دهد،

اوست که با یاری و رحمتش او را توفیق داده است

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي

پس ای معبود من و آقای من، ستایش

مخصوص توست

إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَ نَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ

نَهَيْكَ

ای معبودم، به من فرمان دادی، تو را

نافرمانی‌ات کردم، نهی نمودی و نهی‌ات را مرتکب

شدم

فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَأَعْتَذِرَ وَ لَا ذَا قُوَّةٍ

فَأَنْتَصِرَ

اکنون چنانم که نه بی‌گناهم تا عذر آورم و نه

توان دارم تا یاری بخوام

فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ؟

پس با چه چیزی به تو روی آرَم ای مولای

من؟

أَبْسَمِعِي أُمَّ بَبَصْرِي أُمَّ بِلِسَانِي أُمَّ بِيَدِي أُمَّ

بِرِجْلِي؟

با گوشم؟ یا با دیده‌ام؟ یا با زبانم؟ یا با دستم؟

یا با پایم؟

أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ؟

آیا اینها همه نعمت‌های تو نزد من نبود؟! و

من تو را با همه این‌ها نافرمانی نکردم؟!!

يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ

ای مولای من، پس تو حجت و راه بر مؤاخذه

من داری

يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي

ای آن که مرا از پدران و مادران پوشاند تا من

را از خود نرانند

وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي

و ای آنکه مرا از خویشان و برادران مخفی

داشت تا ملامت نکنند

وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي

و از پادشاهان مرا پوشاند، تا مجازاتم نکنند

وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي

إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَ لَرَفَضُونِي وَ قَطَعُونِي

مولای من، اگر اینان آگاه می شدند بر آنچه تو

از من می دانی، هرگز مهلت نمی دانند و مرا از خود

می راندند و از من می بریدند

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ

ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ

آری من همینم ای خدای من، ای سرور من،

در برابرت هستم: سرافکنده و خوار و درمانده و

ناچیز

لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرَ وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ

نه بی گناهم تا عذر آورم، و نه توانی دارم که

یاری بخواهم

وَلَا ذُو حُجَّةٍ فَأَحْتَجُّ بِهَا

و نه حجّتی دارم که با آن احتجاج نمایم

وَلَا قَائِلٌ لَمْ أُجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءًا

و نه می توانم بگویم که گناه و کار بد نکرده‌ام

وَمَا عَسَى الْجُحُودُ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ

يَنْفَعُنِي

و بر فرض که انکار کنم — مولای من —

چگونه این انکار مرا سود بخشد؟!

كَيْفَ وَ اَنْنِي ذَلِكَ وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ

بِمَا قَدْ عَمِلْتُ

و چگونه این انکار مرا سود بخشد؟! و حال

آنکه همه اعضا و جوارحم بر آنچه کردم بر من

گواه‌اند

وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ اَنَّكَ سَائِلِي مِّنْ

عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَ اَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ

به یقین دانستم، بدون هیچ تردیدی، که تو از

کارهای عظیم من خواهی پرسید و تو حاکم

عدالت‌پیشه‌ای هستی که در حکم و داوری ستم

نمی‌کنی

وَ عَدْلِكَ مُهْلِكِي وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي

و همان عدالت تو مرا هلاک خواهد نمود و

از همه عدالت تو من گریزانم

فَاِنْ تُعَذِّبْنِي يَا اِلٰهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ

وَ اِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ

پس ای معبود من، هرگاه عذابم کنی، به خاطر

گناهان من خواهد بود؛ پس از آنکه بر من حجّتی

داری و اگر بر من ببخشی، از بردباری و جود و کرم
تو خواهد بود

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

الظَّالِمِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از

ستمکارانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از آمرزش خواهانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الْمُوَحِّدِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از یکتاپرستانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الْخَائِفِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از بیمناکانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنْ ﴿الْوَجَلِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از﴾ هراسناکانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنْ ﴿الرَّاجِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از﴾ امیدوارانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنْ ﴿الرَّاعِبِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از﴾ مشتاقانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنْ ﴿الْمُهَلِّلِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از﴾ **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** گویانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنْ ﴿السَّائِلِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از﴾ درخواست‌کنندگانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الْمُسْبِحِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از﴾ تسبیح کنندگانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الْمُكْبِرِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من

از﴾ تکبیرگویانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ

آبَائِي الْأَوَّلِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو﴾، ای

پروردگار من و پدران پیشینم

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَ إِخْلَاصِي

لِذِكْرِكَ مَوْحَدًا

خدایا، این ثنای من است در مقام تعظیم تو،

و اخلاص من در یاد تو در مقام یکتاپرستی ات

وَ إِقْرَارِي بِالْإِيكِ مُعَدِّدًا

و این است اعترافم به نعمت‌هایت که به

شمار آوردم

وَ إِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكثَرَتِهَا وَ

سُبُوغِهَا

هرچند اعتراف دارم که نتوانستم آنها را

شماره کنم، به خاطر کثرت و کمالِ نعمت‌های

وَ تَظَاهِرِهَا وَ تَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ

تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ

و پیشی جستنِ نعمت‌هایت بر من تاکنون، که

همواره با آنها به من رسیدگی می‌نمودی، از زمانی

که در آغاز مرا آفریدی و پدید آوردی

مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَ كَشْفِ الضُّرِّ

که از تهیدستی به بی‌نیازی رساندی و

گرفتاری‌ام را برطرف کردی

وَ تَسْبِيبِ الْيُسْرِ وَ دَفْعِ الْعُسْرِ

و اسباب آسایشم را فراهم ساختی و سختی

را برداشتی

وَ تَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَ الْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَ السَّلَامَةِ

فِي الدِّينِ

و اندوه را زدودی و بدنم را در عافیت، و دینم

را سلامت داشتی

وَ لَوْ رَفَدْنِي عَلَىٰ قَدْرٍ ذَكَرَ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ
العَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَىٰ
ذَلِكَ

و اگر برای بیان نعمت همهٔ جهانیان از
گذشتگان و آیندگان یاری‌ام دهند، نه من خواهم
توانست، نه آنها بر بیان آن قدرتی دارند

تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ
مقدّسی و برتری تو ای پروردگار کریم و
بزرگ و مهربان

لَا تُحْصَى الْأَوْكُ وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافَى
نِعْمَاؤُكَ

عظاهايت به عدد نيايد و کسی را توان ستایش
تو نیست و نعمت‌هايت تلافی نگردد

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
بر محمد و خاندان محمد درود فرست
وَ أَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَ أَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ
و نعمت‌هايت را بر ما تمام کن و با طاعتت ما
را سعادت عنایت فرما

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

منزهی تو، معبودی جز تو نیست

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ

خداوندا، تو درماندگان را پاسخ می دهی و

بدی را برطرف می سازی

وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ

و به فریاد غمدیدگان می رسی و بیمار را شفا

می بخشی

وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ وَ تَجْبِرُ الْكَاسِرَ

و تهی دست را بی نیاز می گردانی و شکستگی

را التیام می بخشی

وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ

و به کودکان ترحم می کنی و به بزرگسالان

یاری می رسانی

وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَ أَنْتَ

الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

جز تو پشتیبانی نیست و قدرمندی بالاتر از تو

وجود ندارد و تویی بلندمرتبه و بزرگ

يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ

ای رهاکننده اسیر در بند

یا رازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ

ای روزی دهندهٔ کودک خردسال

یا عِصْمَةَ الخَائِفِ المُسْتَجِيرِ

ای پناه هراسندهٔ پناه‌خواه

یا مَنْ لا شَرِيكَ لَهُ وَ لا وَزِيرَ

ای که برایت شریک و دستیاری نیست

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَ اعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ اَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ وَ

اَنْلَتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تَوْلِيهَا

و در این شب، از نعمتی که می‌بخشی،

برترین چیزی را که به هریک از بندگانت عطا

کرده‌ای و داده‌ای، به من عطا کن

وَ اَلَاءٍ تُجَدِّدُهَا وَ بَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا

و عطا‌هایی که تجدید می‌نمایی و بلایی که

برمی‌گردانی

وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَ دَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا

و اندوهی که برطرف می‌کنی و دعایی که

می‌شنوی

وَ حَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا وَ سَيِّئَةٍ تَغْمَدُهَا

و عمل نیکی که می‌پذیری و بدی‌ای که

می‌پوشانی

إِنَّكَ لَطِيفٌ، بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ

همانا تو به لطف ازلی و علم ربّانی، به هر چه

خواهی آگاهی و بر همه چیز توانایی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ

خداوندا، تو نزدیک‌ترین کسی هستی که

خوانده شود

وَ أَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ

و سریع‌ترین کسی هستی که جواب دهد

وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَا

و بزرگوارترین کسی هستی که گذشت کند

وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى

و وسیع‌ترین کسی هستی که عطا کند

وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ

و شنواترین کسی هستی که از او درخواست

شود

يا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا

ای مهربان دنیا و آخرت و بخشنده دنیا و

آخرت

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ

درخواست‌شونده‌ای چون تو نیست، و

آرزویی غیر تو وجود ندارد

دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي

تو را خواندم، پاسخ دادی

وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي

و از تو درخواست کردم، عطا نمودی

وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي

و به‌سویت اشتیاق ورزیدم، به من رحم

فرمودی

وَوَثَّقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي

به تو اطمینان کردم، نجات دادی

وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي

و به تو پناه آوردم، کفایت نمودی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَ

نَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

بارالها، بر محمد، بنده و فرستاده‌ات و
پیامبرت و بر جمیع اهل بیت پاک و پاکیزه‌اش درود
فرست

وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ وَهِنَّا عَطَاءَكَ

و نعمت‌هایت را بر ما تمام کن و عطا‌هایت را
بر ما گوارا گردان

وَ اَكْتَبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَ لِاِلَّاٰئِكَ ذَاكِرِينَ

و ما را از سپاسگزاران و یادکنندگان
نعمت‌هایت قرار ده

اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ

اجابت کن، اجابت کن، ای پروردگار عالمیان
اللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلِكٌ فَقَدَرَ وَ قَدَرَ فَقَهَرَ
خداوندا، ای که بر مُلکِ وجود، مالک شدی
و بر هر چیز توانا گشتی، و توانستی و چیره گشتی

وَ عُصِي فَسْتَرَ وَ اسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ

و ای کسی که تو را نافرمانی کردند و
پوشاندی، از تو آمرزش خواستند و درگذشتی

يَا غَايَةَ الطَّالِبِيْنَ الرَّاٰغِبِيْنَ وَ مُتْتَهِيَ اَمَلِ الرَّاٰجِيْنَ

ای مقصود خواستاران مشتاق، و ای نهایت

يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

ای آن که دانشش بر هر چیز احاطه دارد

و وَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا

و ای کسی که مهربانی و رحمت و

بردباری اش، توبه جویان را فرا گرفته

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ

خداوندا، در این شب به تو روی می آوریم

الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ

رَسُولِكَ

شبی که آن را شرافت و عظمت بخشیدی،

به وسیله محمد، پیامبر و فرستاده ات

وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَ حِيكَ

الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ

و برگزیده ات از میان خلایقت و امین

وحیات، آن مژده دهنده و بیم دهنده و چراغ تابناک

الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ وَ جَعَلْتَهُ

رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

آن که به سبب او بر مسلمانان نعمت

بخشیدی و او را برای جهانیان رحمت قرار دادی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ

أَهْلٌ لِدَلِيكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ

پس خداوندا، بر محمد و اهل بیت محمد

درود فرست، که او لایق این درود از جانب توست،

ای خدای بزرگ

فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الْمُتَّجِبِينَ الطَّيِّبِينَ

الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

پس بر او و همهٔ اهل بیت برگزیده و پاک و

پاکیزه‌اش درود فرست

وَ تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا

و ما را در پوشش رحمت و بخشش فراگیر

فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ

که صداها به هر زبانی به سوی تو بلند است

فاجعل لنا اللهم في هذه العشيّة نصيبًا من كلِّ

خيرٍ تقسيمه بين عبادك

خدایا، در این شب از هر خیری که میان

بندگان تقسیم می‌کنی، برای ما بهره‌ای قرار بده

و نور تهدی به و رحمة تنشرها

و از هر نوری که با آن هدایت می‌نمایی و

رحمتی که می‌گسترانی [برای ما بهره‌ای قرار بده]

و بَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا

و از هر برکتی که فرو می‌فرستی و عافیتی که

بر بندگان می‌پوشانی [برای ما بهره‌ای قرار بده]

وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و از هر رزقی که می‌گستری [برایمان بهره‌ای

قرار بده] ای مهربان‌ترین مهربانان

اللَّهُمَّ اِقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ

مَبْرورِينَ غَانِمِينَ

خدایا، ما را در این وقت از پیشگاه رحمت

پیروز و رستگار، و با عمل پذیرفته و کامیاب

بازگردان

وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ

و ما را از ناامیدان قرار مده

وَ لَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ

و از رحمت بی‌بهره مگردان

وَ لَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ

و از آن فضل تو که چشم‌انتظاریم، محروم

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ

و از رحمت بی بهره منما

وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ

و از فزونی عطایت که آرزو داریم، ناامید

مکن

وَلَا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ

و ما را ناکام بازگردان و از درگاہت مران

يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

ای بخشنده‌ترین بخشندگان و کریم‌ترین

کریمان

إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مَوْقِنِينَ وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ

قاصدین

با یقین و باور، به درگاہت رونمودیم و قصد

خانهات را نمودیم

فَاعِنَّا عَلَىٰ مَنَاسِكِنَا وَ أَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا

بر ادای مناسک حج، یاری‌مان ده و حجمان

را کامل کن

وَ اعْفُ اللَّهُمَّ عَنَّا وَ عَافِنَا

و از ما درگذر و به ما عافیت عنایت کن

فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَا فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ

موسومۀ

چراکه دست به سوی تو دراز کرده ایم و

نشانه های خواریِ اعتراف به گناه در این دست ها

پدیدار است

اللَّهُمَّ فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَ أَكْفِنَا

ما استکفیناک

خدایا، آنچه در این شب از تو خواستیم به ما

عطا کن و کفایت آنچه را از تو خواستیم، عهده دار

باش

فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ

که جز تو کفایت کننده ای نداریم و برای ما

پروردگاری غیر تو نیست

نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا

قَضَائُكَ

امر و فرمانت بر ما نافذ است، دانشت ما را

احاطه کرده، حکم و قضایت بر ما عادلانه است

إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ

خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار

بده

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَكَرِيمَ
الذُّخْرِ وَدَوَامَ الْيُسْرِ

خداوندا، پاداش بزرگ و ذخیره کریمانه و

دوام آسایش را به حقّ جودت بر ما لازم گردان

وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ

الْهَالِكِينَ

و گناهان همه ما را بیامرز و با هلاک شدگان

هلاکمان مکن

وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ

و مهربانی و رحمت را از ما برمگردان، ای

مهربان‌ترین مهربانان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ

فَأَعْطَيْتَهُ وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ

خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار بده که

از تو درخواست کردند و تو به آنان عطا فرمودی، و

تو را شکر نمودند پس بر نعمت آنان افزودی

وَ تَابَ إِلَيْكَ فَقبلتهُ وَ تَنصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ
كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ

و به سویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی و از
همه گناهانشان به سوی تو بیزاری جستند، پس تمام
گناهانشان را آمرزیدی

يا ذا الجلالِ و الإكرامِ

ای دارای جلالت و بزرگواری

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا وَ سَدَّدْنَا وَ أَقْبَلَ تَضَرُّعَنَا

خدایا ما را توفیق ده و در راه استوار ساز، و

تضرع و زاری ما را بپذیر

يا خَيْرَ مَنْ سئِلَ و يا أرحمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ

ای بهترین کسی که از او درخواست شود، و

ای مهربانترین کسی که از او ترحم می خواهند

يا مَنْ لا يَخْفِي عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَ لا لَحْظُ

الْعُيُونِ

ای آن که برهم نهادن پلکها و نگاه چشمها

بر او پوشیده نیست

وَ لا ما اسْتَقَرَّ فِي المَكْنُونِ، وَ لا ما انطوت عليه

مُضْمِرَاتُ القُلُوبِ

و آنچه در نهان استقرار یافته و رازهای

پوشیده دل‌ها از او پنهان نیست

أَلَا كُلُّ ذَٰلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ

آری همه این‌ها را دانشت شمارش نموده و

بردباری‌ات فرا گرفته

سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا

كَبِيرًا

تو منزهی و بسیار برتری، از آنچه ستمگران

[درباره‌ات] می‌گویند

تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ

فِيهِنَّ

آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها و هر که در

آن‌هاست تو را تسبیح می‌گویند

وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ

و هیچ موجودی نیست مگر اینکه همراه

سپاس‌تو، تو را تسبیح می‌گوید و منزّه می‌دارد

فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ

وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْأَيْدِي الْجِسَامِ

پس ستایش و بزرگی و بلندی رتبه از آن

توست، ای دارندهٔ جلالت و کرامت و فضل و نعمت
و موهبت‌های بزرگ

وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ

و تویی بخشنده و کریم و رئوف و مهربان

اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ عَافِنِي

فِي بَدَنِي وَ دِينِي

خدایا از روزیِ حلالت بر من وسعت بخش،

و در تن و دینم عافیت قرار بده

وَ آمِنِ خَوْفِي وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

و ترسم را به ایمنی مبدل گردان و وجودم را

از بندِ آتش برهان

اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي

بارخدایا، مرا به مکر خود دچار مکن، و مرا

به تدریج دچار غفلت مگردان

وَ لَا تَخْدَعْنِي وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَ

الْإِنْسِ

و مرا در خیالات باطلم رها مساز، و شرِّ

فاسقان جنِّ و انس را از من دور کن

قَالَ بَشْرٌ وَ بَشِيرٌ ثُمَّ رَفَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَوْتَهُ وَ

بَصْرَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ عَيْنَاهُ قَاطِرَتَانِ كَأَنَّهَا مَزَادَتَانِ وَقَالَ

بِشْرٍ گوید: سپس حضرت صدای خود را بلند

نمودند و رو به آسمان نمودند، در حالی که مانند

مشک از چشمانش اشک سرازیر بود و عرض نمود:

يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان

و يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و ای سریع‌ترین حساب‌رسان و ای مهربان‌ترین

مهربانان

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ

بر محمد و اهل بیت محمد، آن سروران

پُرْبَرِكتِ دَرُودِ فَرَسْتِ

وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتِنِيهَا لَمْ

يُضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي

خداوندا، از تو آن حاجتم را می‌خواهم که اگر

آن را به من عطا کنی، دیگر هرچه را از من دریغ

ورزی به من ضرری نرساند

وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتِنِي

و اگر از من دریغ نمایی، دیگر هرآنچه به من

عطا کنی، سودی نبخشد:

أَسْأَلُكَ فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

درخواست دارم که از آتش دوزخ رهایی ام

بخشی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

معبودی جز تو نیست، که یکتایی و شریک

نداری

لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ

فرمانروایی و ستایش، مخصوصِ توست، و

تو بر هر چیز توانایی

يَا رَبِّ يَا رَبِّ...

پروردگار من، پروردگار من...

فَلَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَهْدٌ إِلَّا قَوْلُهُ: يَا رَبِّ

يَا رَبِّ بَعْدَ هَذَا الدُّعَاءِ وَشَغَلَ مَنْ حَضَرَ مِمَّنْ كَانَ

حَوْلَهُ وَشَهِدَ ذَلِكَ الْمَحْضَرَ عَنِ الدُّعَاءِ لِأَنْفُسِهِمْ وَ

أَقْبَلُوا عَلَى الْإِسْتِمَاعِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالتَّأْمِينِ عَلَى

دُعَائِهِ قَدْ اقْتَصَرُوا عَلَى ذَلِكَ لِأَنْفُسِهِمْ ثُمَّ عَلَّتْ

أَصْوَاتُهُمْ بِالْبُكَاءِ مَعَهُ وَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَ أَفَاضَ

عليه السلام وَ أَفَاضَ النَّاسُ مَعَهُ.

پس مکرّر عرضه می داشت: «یا رَبِّ، یا رَبِّ»،

و تمام افرادی که دور حضرت بودند، تماماً به

حضرت گوش می دادند و آمین می گفتند. پس

صداها به گریه همراه آن حضرت بلند شد تا آفتاب

غروب نمود و از عرفات بیرون آمدند.